



## پیرامون "توافقات هسته ای" اخیر!

چند ماه پس از امضای "تفاهم نامه لوزان"، روز سه شنبه ۱۴ جولای ۲۰۱۵ در پایان آخرین دور مذاکرات بین جمهوری اسلامی و کشورهای موسوم به ۱+۵ در وین اعلام شد که طرفین در این مذاکرات به یک "توافق هسته ای" دست پیدا کرده اند.

رئیس جمهور آمریکا از این "توافق" به عنوان یک "رویداد تاریخی" نام برد که نمایانگر "دیپلماسی" موفق دولت وی می باشد و سران جمهوری اسلامی نیز کوشیدند تا با نامیدن این توافق به عنوان یک "توافق بُرد- بُرد"، آن را ناشی از "خواست ملت" جا بزنند.

اما نگاهی به مفاد این "توافق نامه" تا آن جا که تاکنون منتشر شده نشان می دهد که سران جمهوری اسلامی در تداوم "تفاهم نامه لوزان"، با دست کشیدن از تمام ادعاهای رسوای سابق خود در مورد "پروژه اتمی" شان، تقریباً تمامی شروط اسارتبار مورد نظر قدرت های امپریالیستی در رابطه با این برنامه را پذیرفته اند. بررسی "برنامه جامع اقدام مشترک" حاصل از این موافقت نامه بیانگر آن است که تمامی فعالیت های اتمی رژیم در زمینه غنی سازی، تعداد سانتریفیوژها و ماهیت و چگونگی عملکرد رآکتورهای آب سنگین و ... بشدت محدود شده و برای آینده ای طویل، تحت بازرسی های دائمی نمایندگان قدرت های امپریالیستی قرار خواهد گرفت. در یک کلام مطابق "برنامه جامع اقدام مشترک" برنامه اتمی ضد مردمی جمهوری اسلامی که در طول سال ها منافع اقتصادی و سیاسی آن به جیب امپریالیست ها و سرمایه داران استثمارگر ریخته شد و در عوض صد ها میلیارد دلار به اقتصاد کشور ضربه زد در اثر اجرای توافق اخیر به پروژه ای تغییر ماهیت یافته تبدیل می گردد. به این ترتیب رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی ضمن قبول شرایط دیکته شده و اسارتبار قدرت های امپریالیستی در جریان این "توافق"، "جام زهر هسته ای" را نیز سر کشیده و یکبار دیگر نشان داد که ادعاهای "ضد امپریالیستی" این رژیم تا چه حد پوچ و عوامفریبانه می باشد.

در مقابل عقب نشینی های خفت بار دولت ایران، در چارچوب "برنامه جامع اقدام مشترک" و در صورت تایید شورای امنیت، ظاهراً قدرت های امپریالیستی متعهد شده اند که تحریم های بین المللی را در یک پروسه تدریجی کاهش دهند با این شرط که این تحریم ها به سرعت قابل بازگشت خواهند بود.

از سوی دیگر در تبلیغات گسترده ای که در حمایت از این توافق در سطح بین المللی توسط بلندگوهای تبلیغاتی به راه افتاده، این گونه جلوه داده می شود که گویا این توافق و لغو تحریم ها، خطر جنگ و حمله نظامی به ایران را محو کرده و از آن مهمتر به شکوفایی اقتصادی در زندگی توده های محروم منجر خواهد گشت. اما همان طور که واقعیات ۲۶ سال حاکمیت رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی نشان داده اند، از آن جا که افسار سیاست هائی از این قبیل در دست امپریالیست هاست و حیات و بقای این رژیم تابع منافع آن هاست، این توافقات و لغو تحریم ها نه خطر دائمی جنگ را از زندگی مردم ایران از بین خواهد برد و نه در دراز مدت به بهبود اوضاع اقتصادی آن ها و تخفیف فقر و گرسنگی اکثریت مطلق جامعه تحت سلطه ما یعنی کارگران و توده های زحمتکش خواهد انجامید. در عوض از آن جا که توافقات اخیر قبل از هر چیز متضمن منافع غارتگرانه سرمایه داران بین المللی ست، دست آن ها را هر چه بیشتر برای تشدید غارت و چپاول کارگران و خلق های تحت ستم ایران و ثروت های ملی آنان باز گذاشته است.

این توافقات هم چنین بطور واضح حمایت امپریالیست ها از رژیم وابسته و بحران زده جمهوری اسلامی و تقویت آن در مقابل توده های به جان آمده ای را نشان می دهد که خواهان سرنگونی این رژیم ضد خلقی بوده و هر روز در جریان مبارزات خود، خواهان برچیدن تمامی دستگاه ظلم و سرکوب حاکم هستند.

واقعیت این است که تحقق حقوق عادلانه توده های ستمکش و هرگونه بهبود و رفاه و آزادی در زندگی آنان به سرنگونی رژیم دار و شکنجه جمهوری اسلامی و نابودی نظام استعمارگرانه حاکم گره خورده است. این واقعیتی است که چریکهای فدایی خلق ایران همواره بر آن تأکید کرده اند و امروز مفاد توافق نامه اخیر هم چون همه واقعیات تلخ ناشی از حاکمیت رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی در ۳۶ سال گذشته حقانیت این موضوع را یک بار دیگر نشان می دهد. ما هم چنان بر این امر پای می فشاریم که توده های ستمدیده ما برای ایجاد هر گونه تغییر مثبت در زندگی فلاکت بار کنونی تنها باید به نیروی لایزال خود متکی باشند. سیر رویدادهای جاری نیز به رغم تمامی تبلیغات عوامفریبانه دشمنان مردم ایران صحت این حقیقت را آشکار نموده و هر چه واضح تر به اثبات خواهند رساند.

**مرگ بر امپریالیسم، دشمن اصلی خلق های ایران و جهان!**

**نابود باد رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی!**

**پیروز باد انقلاب!**

**چریکهای فدایی خلق ایران**

**۲۴ تیر ۱۳۹۴ - ۱۵ جولای ۲۰۱۵**